



در حاشیه!

موسیقی عامه پسند و زندگی روزمره انسان معاصر

عباس جان تناری

موسیقی در دنیای امروز به یک امر هر جایی بدل شده است. به سختی می توان جایی را سراغ گرفت که موسیقی در آنجا جاری نباشد. مهمانی ها، عزاداری ها، رستوران ها، ایستگاه های مترو، تاکسی ها، اتاق های انتظار، استورها، تابلوهای فلزی بومی، سینما و... موسیقی هر زندگی روزمره امروزی به عنوان پیش زمینه در پس تمام کنش های افراد قرار دارد.

ما خوانندگانی که در جامه های مختلف موسیقی را مصرف می کنیم شاهدی که آن را نمی شنویم، اگر در جایی نیز آن را همراهی و زمزمه می کنیم، می بینیم. تا چندین آن نیست بلکه تنها یک «صدا» است. امروزه موسیقی از یک امر جدی تبدیل به یک امر غیر جدی شده است. در آنجا منظور از موسیقی جدی، برخلاف نظر «چلن راک وول» - «کلیفستند» آمریکایی - موسیقی کلاسیک و کهنه نیست بلکه موسیقی ای است که شنیده می شود.

در سیارگی آن زمان ها، ما خبره به کسی نگاه می کردیم بوی هر یک از صحبت های او را نمی شنویم و غرق در فکر دیگری هستیم. خوب گویا نازمانی که آن شخص صحبتش را تمام نکرده ما از گفتن او بی خبریم. به امر دیگر در آن هنگام خبره، «هایی نمی جویند» یک رابطه بود. سر به بین گویند و گفتارشان به امر دیگر وجود دارد. نوعی تمیز کلامی در شخص صحبت کننده است که شنونده در واقع چیزی نمی شنود. خود یا آنکه به آن گوش می سپارد. موسیقی در دنیای امروز مانند سخن آن گوینده است که ما غرق در فکرمی. هر روز فکر خود را می شنویم. موسیقی در اینجا و لحظی است که ما نمی شنویم. آن دیگری بزرگ یا از فراسوی آن مشاهده کنیم. دیگری ای که نگاه نوین را با ما می کند.

موسیقی، پس زمینه شهر شده است. شهری که با سرعت بر پیش حوضه دنیای مدرن و اجتماعی دغدغه پذیرایی می توان گفت آنچه است. شنیده نمی شود. موسیقی شهر است چون امر جدی ای تلقی نمی شود و تنها یک تمیز کلامی برای دیگر امور اصلی تر است. در شهر، امروز نسبت به هم مرتبه ای هستند و در یک فرایند به امر جدی نزدیکتر می شوند و هر یک از امور در راستای تسریع تحقق امر مرتبه بالاتر، معنای این موسیقی جاری می شود. تا شماره از گریستن و غمگین شدن در مراسم های عزاداری نزدیکتر شود یا در رستوران نواخته یا پیش می آید. خود تا به امر خوردن نزدیکتر شود و در دیگر فضاهای نیز به همسرتوبه پس می توان موسیقی زندگی روزمره را موسیقی «وضعیت مند» دانست. موسیقی ای که بنا بر وضعیت کنشگر در آن قرار دارد. برای دستیابی به امر دیگری مصرف می شود.

متلاثر یک است. صور و اتاق انتظار، موسیقی زمل را به صورت سلیبی به سلیبی می سازد تا به امر دیگری واصل شود. در هر وضعیت دیگری مانند سالن های ورزشی یا ضرابخانه، سریع، ششاد و به امر بدنی مناسب با هم می آید. در یک ششم زیبایی شناسانه جامعه نزدیک می کنند. در این پسند فرودست سومی هم وجود دارد که آن انتظار «نیتند» است.

است. موسیقی در زندگی روزمره مصرف می شود. تا انتظاری را برآورده کند. انتظار رسد. چنین انتظار ملاقات، انتظار خوردن، انتظار آرایش، انتظار بدنی مناسب و... موسیقی تبدیل به انتظاری با خود آگاه شده است که با هر زمان در ارتباط مستقیم قرار می گیرد. موسیقی تر جمل توقع و زمان تر زیست روزمره است. توقع یافتن مطلوب گشت. ده برای تبدیل شدن به «هنر» آرمایی شده فرهنگ حاکم.

شنونده موسیقی شهر، نا شنونده چون در وضعیت های خاص موسیقی به سه منظور شنیدنی است. بلکه به قصد تحقق خولس و میل دیگری بخش می شود. امری که در یک نگرش اقدامی به جامعه میل بزرگ دیگری را تحقق می بخشد. یک میل مسال که هر کت با هر بدنی انسان مدرن ایجاد می کند.

موسیقی ای که در وضعیت مطلوب به موسیقی بخش یا اجرا می شود (مانند اجرا در سالن کنسرت ها) امروزه تنها شوق موسیقی است که شنیده می شود. اگر در اینجا از تحلیل های منزلت اجتماعی یا مصرف تظاهری «صرف نظر کنیم، موسیقی تنها در وضعیت مطلوب به خودش است که به صورت یک امر جدی، امکان شنیده شدن را دارد. در اینجا می توانیم در پیروی از نظر فرمالیست ها، مخاطبان موسیقی را در چنین وضعیتی به مخاطبان متبحر و مخاطبان نخبه تقسیم بندی کنیم. در سالن های مخصوص موسیقی، مخاطبان متبحر و غیر متبحر با هم در یک وضعیت مشترک قرار دارند. اما در هر یک از این نطفه ای است که نسبت مردم عادی و خاص را از هم می زند. در یافتن موسیقی در یک وضعیت جدی توسط مخاطب غیر متبحر، تنها برخاسته از احساسات و تجربه فرهنگی، اجتماعی، تاریخی کنشگر است. در حالی که مخاطب متبحر، موسیقی را به عنوان یک امر جدی لحاظ می کند و لذتی که از آن می برد، بیشتر بر مبنای درک و فهم پیشین، موهبت های علم کسب شده آن است.

از دیدگاه موسیقی ارتباط تکنانگی یا محیط پیرامونی افراد داشته است و به نحوی می توان موسیقی را بازنمایی آنگیمن زندگی و تجربه زیسته افراد قلمداد کرد. ضربات تند، تونابنه، آژیک، تیرا، جیر، جنس صداهای سازها و در نهایت موسیقی ای که ساخته می شود، باز نمایی محیط انسان هستند. صدای پرندگان، چشمه ها و آبها و نغمه های مختلفی که در طبیعت وجود داشته در دوران پیشامدرن در صدای سازها تجلی پیدا می کرد. رقص موسیقی به کنشی رقص زندگی و طبیعت پیرونی بود.

تنه با هر زمان های نبرد و جنگ، موسیقی حماسی، باز با الهام گرفتن از عوامل طبیعی و بیرونی، حالتی سریع تر و ضربات تندی را طلب می کرد. این امر را می توان در آوازها و جشن های سرخا گرفتن آواز دنیای امروز، پنداری یک جشن عروسی توانان در یک جنگ همه گیر بر پلست

و غایت بی انتهای افراد برای رسیدن تشویق می کند. و موسیقی، مهیا کننده وضعیت مناسب برای این بزم روزنایک است. رقصها و ضربات گام های پرشنگ و سریع، نفس سهرت زندگی روزمره دنیای مدرن را در خود دارد. صداهای الکترونیک و افکت هایی که تنها می توان آنها را در وضعیت های خاص یافت. مانند صدای آژیر آمبولانس و اتوبوس پلیس، انفجار های بمب و تیراندازی ها و اسرژاتو میل ها، صدای خط تولید هوا، موسیقی های لهر و آفیل، پاپ و راک، هوی متال، جاز و موسیقی هایی که با ابزار و وسایل موسیقیایی جدید تولید می شوند و ارتباط کرده اند. این موسیقی مطابق با دنیای امروزی است. که از قابلیت هنری دور می شود و با صنعت پیمان اخوت می بندد. موسیقی مردمی امروز را می توان با ماکاها و معیار های زیبایی شناسی موسیقی های کلاسیک سنجید. به قول هنرمند، خود آگاهی تبدیل شده است به ماکا از زیبایی اعتبار محبت ضبط شده و شوخ طبعی، طنز و نقاشی گوئی در جایی که صحبت از موسیقی هنری است. مروج یافته است. چندین برداشتی در خود، مولفه را با مکتبین مقایسه می کنند. شنونده آموخته کسی است که بتواند هر چند را با وجود ویژگی های تجاری تمیز بخشد. در لحاظ معنای هنری، موسیقی دیگری در دنیای امروز به تنها در وضعیت های خاص مانند سالن های کنسرت جشن ها و اجرا نمی شود. بلکه در تمام زندگی روزمره انسان جاری است. موسیقی امروزه موسیقی شهر است که با شناب افراد را به سمت میل دیگری هدایت می کند و در نهایت به چرخش نظام مصرف و اقتصاد بازار کمک می رساند. ملتی آن بستگی به تفاوت مخاطب دارد.

موسیقی یکی از ارکان سینماست که در شکلی های مختلف و به فراتر از سناریو برای تفریح معاشی و تصور در آن استفاده می شود. در واقع موسیقی فیلم، به حیات تزیینات فیلم در مخاطب می شود. یک موسیقی خوب در فیلم، موسیقی ای است که نظری بیننده را هنگام دیدن فیلم به خود جلب نکند. اما می توانی حورش بتواند در فرایند مناسباتی و تأثیر فیلم مؤثر باشد. از تفاوت هایی که زندگی روزمره با زندگی در فیلمها طریقت وجود موسیقی در صحنه های مختلف فیلم بود. در دنیای امروزی، موسیقی مانند فیلمها در تمام صحنه های زندگی افراد جاری است. حتی این تفاوت که موسیقی

فیلم به فراتر از حالت و وضعیت روحی، کاراکترها و فضای آن سکس، معنا می یابد. در حالی که در زندگی روزمره، افراد در حالات روحی مختلف، یک نوع موسیقی مشترک است. تند، در اینجا می توان با واقع گیری از آن دور، یک واکنش سازی و هدایتی است. بدن را برای مخاطبان لحاظ کرد. شما چه در وضعیت و تجربه روحی باشید یا در شادی، یک موسیقی مشترک در سالن فرودگاه بر این است. بخش می شود. اگر چه در هر حالت شما همان شنونده نشنوا. تنها اما مانند یک فرد که در وضعیت نادری در آنجا است. مخاطب یک موسیقی واحد هستند. در واقع نظام بزرگ همسان ساز، شمارا به طور یک سالی از درون مورد خطاب قرار می دهد و رفتاری تصرف شده در وضعیت است. هر چند شما انتظار دارید.

از هر یک از غلب نسبت به موسیقی غلبه است. وجود دارد. در دیگر دایره که به همه دیده ترند و در اختیار به این موسیقی نگاه می کند که در این باره می توان از مکتب فراتر رفت. در این باره صدای آن دور بود. کرد و در دیگر دویم که با دیدگاهی مثبت و امیدوارانه به این نوع موسیقی نگاه می کند که می توان صاحب مطلقان فرهنگ را در این گروه جای داد. گروه دوم، رقص های جدید موسیقی از جمله راک و هوی متال و دارای ظرفیت های زیبایی شناسانه مستقل از موسیقی های پیشین بر می شوند. که با این چنین به باز تولید فرد، در افراد کمک دارای قابلیت های متفاوت در مقابل گفتمان مسلط جامعه می دانند.

در اینجا سوالی که مطرح می شود این است که تفاوت های هدایت شده که در نتیجه به چرخش نظام توین جهانی پاری می رسند. در کدام شرایط، لولایی در گزینی وضعیت حاکم را دارند؟ به نظر می رسد موسیقی هایی مانند راک و هوی متال که تجسم خشونت است، تیز و چوبی، خونریزی، غارت و چالاول شناخته شده است. و تجسم کامل هیچ انگیزی آن آورده هستند. علاوه بر اینکه فضاهای شکاف های مقاومت در دنیای جدید نیستند بلکه شکل آنگیمن و باز نمایی وضعیت جدیدی هستند که افراد را با فضایی که در آن رقص می کند، هدایت و هماهنگ می کنند.

